

زیست زنانه

در بوم مردانه

● نیم‌نگاهی به حوزه‌های علمیه خواهران



علیرضا زهیری *

دوران جدید و در روند دگر دیسی جوامع، زنان با نوعی از جاکنندگی اجتماعی، از حاشیه به متن آمده‌اند. تغییر موقعیت زنان در جامعه نه تنها انتظارات آنان را فزاینده ساخت، بلکه مسئولیت‌هایی را پیش‌روی کارگزاران، نخبگان و کنش‌گران اجتماعی قرار داد تا پیش‌ران‌های بعدی در شتاب به این تحولات باشند.

این وضعیت، جوامع اسلامی را نیز در برگرفت. هرچند آموزه‌های دینی به روشنی از جایگاه اجتماعی برجسته زنان و نقش‌های تربیتی آنان سخن گفته‌اند، اما سلطه طولانی دولت‌های قبیله‌ای در جهان اسلام و وجود فرهنگ عشیره‌ای در میان مسلمانان، حضور اجتماعی آنان را با محدودیت روبه‌رو ساخت. در این میان، ورود گفتمان اسلام اجتماعی و سیاسی در پی وقوع انقلاب اسلامی، موقعیت زنان در ایران و بسیاری از جوامع متأثر از انقلاب اسلامی را متحول ساخت. حضور زنان به عنوان کنش‌گران سیاسی-اجتماعی که ضد رژیم پیشین به پا خاسته بودند، در نظام سیاسی جدید، فرصت‌های فزاینده‌ای را برای آنان رقم زد.

مسئولان و سیاست‌گذاران در این سه دیدگاه و عدم آشکارشدن موضع آنان بوده است.

پیشینه شکل‌گیری حوزه‌های علمیه خواهران

در گزارش عمل‌کرد بیست‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، به چگونگی شکل‌گیری و تأسیس این حوزه‌ها اشاره شده است. شکل‌گیری حوزه‌های علمیه خواهران که به‌عنوان پدیده‌ای نو، تأثیرهای شگرفی در معادلات فرهنگی ایران و جهان اسلام برجای نهاده است به دوران پس از انقلاب برمی‌گردد. پیش از انقلاب اسلامی با همت علمای بلاد و افراد خیر، تعداد معدودی مدرسه علمیه با عنوان «مکتب» در کشور ایجاد شد که خواهران علاقه‌مند به فراگیری علوم دینی در این مکتب‌ها تحصیل می‌کردند. به‌طورمثال پیش از انقلاب و به‌رغم کارشکنی‌های رژیم‌های گذشته، آیه‌الله شریعی با همکاری شهید آیه‌الله قدوسی،

مدرسه‌ای برای آموزش حوزوی

دختران با نام «مکتب توحید» تأسیس کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان، با فرمان امام خمینی علیه‌السلام، در ۱۳۶۳ شمسی، جامعه الزهراء علیها‌السلام در قم به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه آموزشی

محیط‌های آموزشی و مؤسسات علم‌آموزی از جمله موقعیت‌های جدیدی بودند که زنان با آن روبه‌رو شدند. حضور زنان در این محیط‌ها با واکنش‌های متفاوتی همراه بوده، که این واکنش‌ها تحت تأثیر دیدگاه‌های سه‌گانه‌ای است که می‌توان درباره حضور اجتماعی زنان متصور شد و به اجمال عبارتند از: نخست، آنانی که قدری تمایلات فمینیستی دارند و بدون توجه به تفاوت‌های جنسیتی ناشی از حقوق اجتماعی و تکالیف دینی و خصلت‌های زنانه، زنان را به‌مثابه شهروندان جامعه و دارای حقوق و شئون هم‌تراز مردان می‌دانند و ورود گسترده زنان در مجامع گوناگون را مانند مردان امری طبیعی می‌شمارند؛ دوم، در مقابل گروه اول گروهی دیگر که گذشته‌گرا هستند وجود دارند، که چندان به حضور اجتماعی زنان واقعی نمی‌نهند و به دلیل نگرانی از اختلاط زنان با مردان، محدودیت‌های زیادی برای آنان قائلند؛ سوم، دیدگاه این گروه رویکردی مصلحانه و

متعادل دارد و ارزش زیادی برای

حضور اجتماعی بانوان قائل است، اما با تأسی به آموزه‌های دینی به تفاوت‌های خلقی و خلقی آنان بی‌توجه نیست. این دیدگاه در بسیاری عالمان دینی به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی رایج است. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد ابهاماتی که در جایگاه و موقعیت اجتماعی زنان وجود دارد ناشی از غلتیدن

● ورود گفتمان اسلام اجتماعی و سیاسی در پی وقوع انقلاب اسلامی، موقعیت زنان در ایران و بسیاری از جوامع متأثر از انقلاب اسلامی را متحول ساخت. حضور زنان به‌عنوان کنش‌گران سیاسی، اجتماعی که ضد رژیم پیشین به‌پا خاسته بودند، در نظام سیاسی جدید، فرصت‌های فزاینده‌ای را برای آنان رقم زد.

برای تعلیم و تربیت طلاب خواهر تأسیس گردید. سال‌ها بعد با گسترش مکتب‌ها، کانون‌ها و مراکز و مدارس علمیه که کار آموزش حوزوی خواهران را برعهده داشتند و ضرورت ساماندهی و تمرکز برای یک برنامه مدون علمی، این مراکز به تأسیس «مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران» در ۱۳۷۵ شمسی،

انجامید. این مرکز که تا ۱۳۹۱ شمسی، تحت اشراف شورای عالی حوزه فعالیت می‌کرد به دلیل گستردگی و توفیقات زیادی که کسب کرده بود، با پیشنهاد شورای عالی و تصویب مقام معظم رهبری، تحت اشراف و راهبری کلان شورای مستقلی به نام «شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران» قرار گرفت. این شورا با تمرکز بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان، امر حیاتی هماهنگی و یک‌پارچه‌سازی حوزه‌های علمیه خواهران را مورد اهتمام قرار داد. (گزارش عمل کرد بیست‌ساله مرکز مدیریت خواهران، ۱۳۹۶، ص ۳ و ۴)

نهادمندی و اهتمام فراوانی که به توسعه نهادی حوزه‌های علمیه خواهران و جنبه‌های علم‌آموزی آن شده است، بدون اغراق قابل تحسین است. اما با مراجعه به وضعیت‌سنجی و ارزیابی موقعیت علمی خواهران حوزوی، تأخیر و فاصله غیرقابل

● محیط‌های آموزشی و مؤسسات علم‌آموزی از جمله موقعیت‌های جدیدی بودند که زنان با آن روبه‌رو شدند. حضور زنان در این محیط‌ها با واکنش‌های متفاوتی همراه بوده، که این واکنش‌ها تحت تأثیر دیدگاه‌های سه‌گانه‌ای است که می‌توان درباره حضور اجتماعی زنان متصور شد.

انکاری با حوزه‌های علمیه برادران مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد این موضوع بیش از آن‌که از نوظهور بودن حوزه‌های علمیه خواهران برآمده باشد، تحت تأثیر جهان‌فرهنگی‌ای است که بر جامعه زنان به ویژه زنان حوزوی سایه افکنده است. برای بررسی بیشتر ابتدا با مراجعه به دو جشنواره علمی حوزوی که خواهران و برادران

حوزوی در آن به رقابت علمی می‌پردازند، به وضعیت‌سنجی آنان اشاره خواهد شد:

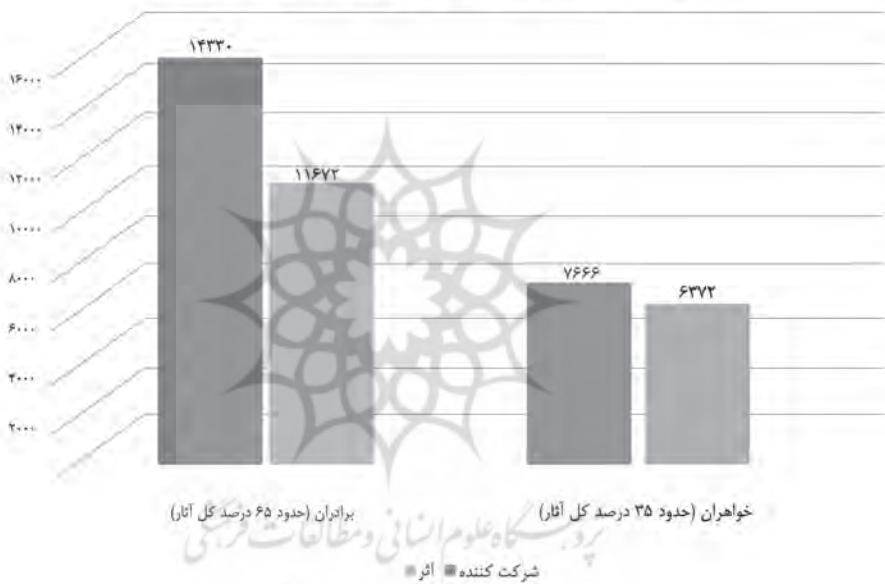
الف) جشنواره علامه حلی رحمته‌الله جشنواره علامه حلی رحمته‌الله ویژه طلاب پژوهش‌گر زیر ۳۱ سال مشغول به تحصیل در حوزه‌های علمیه می‌باشد، که (آیین‌نامه جشنواره مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۳۱، شورای عالی حوزه‌های علمیه) در این جشنواره، برخلاف کتاب سال حوزه، محققان و پژوهش‌گران حوزوی دارای سنین کمتر و سطح تحصیلات پایین‌تری هستند، برای همین عمده طلاب برادر و خواهر پژوهش‌گر نوپا و نوقلم به‌شمار می‌آیند. نمودار رشد آثار دوره اول تا دهم جشنواره نشان‌دهنده توفیقات علمی - پژوهشی این سطح از طلاب حوزه‌های علمیه است. (ویژه‌نامه دهمین جشنواره علامه حلی رحمته‌الله، ۱۳۹۷، ص ۲۶)

آمار ارائه شده توسط دبیرخانه این جشنواره در ده دوره گذشته، از سهم ۵۸ درصدی برادران

در حالی است که آثار ارائه شده در دهمین دوره جشنواره، حدود ۶۵ درصد به برادران طلبه و حدود ۳۵ درصد به خواهران طلبه تعلق داشته است، که نشان دهنده کاهش حضور خواهران می باشد.

و ۴۲ درصدی خواهران در تولید و ارسال آثار علمی را می شناساند (ص ۴). هرچند این کمیت خوش بینانه نبوده و تنها ۳۶ درصد به لحاظ کیفی امکان حضور در مراحل اصلی ارزیابی را یافتند و ۶۴ درصد در ارزیابی اجمالی از ادامه رقابت بازماندند (همان، ص ۵). این

تعداد کل افراد شرکت کننده و کل آثار دهمین جشنواره به تفکیک جنسیت



برادران (حدود ۶۵ درصد کل آثار)

خواهران (حدود ۳۵ درصد کل آثار)

شرکت کننده ■ آثار ■

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

خود برای گروه «اخلاق و تربیت»، اهتمام بیشترشان در این حوزه را نشان داده اند؛

۲. آثار برادران در حالی که در گروه «اصول فقه» رشد قابل توجهی داشته، آثار خواهران در این حوزه از روند ثابت و بدون رشدی برخوردار بوده است؛

(همان، ص ۲۷)

یکی از مسئولان دهمین جشنواره در یک مقایسه میان آثار پژوهشی طلاب برادر و خواهر به چند نکته اشاره می کند (همان، ص ۵):

۱. خواهران با تخصیص ۴۰ درصدی آثار نسبت به برادران و تخصیص ۱۸ درصد از آثار

۳. در گروه فقه و حقوق اسلامی نیز برادران و خواهران طلبه مسیر عکس هم را طی کرده‌اند، به گونه‌ای که آثار برادران افزایش و آثار خواهران در مسیر کاهش قرار داشته است؛

نکته دیگری که اهمیت دارد نوع رویکرد و اهتمام بیشتر بانوان حوزوی به حوزه «اخلاق و تربیت» می‌باشد، که این امر نشان دهنده بالابودن تمایلات تبلیغی در میان آنان است، اما این که این تمایلات ناشی از نظام آموزشی و یا محیط اجتماعی است، نیازمند مطالعه و بررسی بیشتری است. در گفت‌وگوهایی که نگارنده با برخی نخبگان حوزوی (رسمی و غیررسمی) داشته‌است، دیدگاه‌های متفاوتی در این باره قابل دریافت است هرچند تأثیر محیط اجتماعی را پراهمیت قلمداد کرده‌اند. بنابراین افراد مؤثری بودند که به دلایل متعددی، انتظارات تبلیغی برای طلاب خواهر را بیش از انتظارات اجتهادی تقویت می‌کردند.

ب) همایش کتاب سال حوزه

همایش کتاب سال حوزه با حضور عالمان فرهیخته و محققان توانا، صحنه‌ای از یک پویای علمی و تلاشی ژرف‌کاوانه را به نمایش می‌گذارد. این همایش دربرگیرنده آثار حوزویان در کلیه سطوح علمی است و برخلاف جشنواره علامه حلی^ع، عموم حوزویان را

در گروه فقه و حقوق اسلامی نیز برادران و خواهران طلبه مسیر عکس هم را طی کرده‌اند، به گونه‌ای که آثار برادران افزایش و آثار خواهران در مسیر کاهش قرار داشته است؛

۴. رصد آمار خطی گروه‌های دیگر نیز به کاهش درصد آثار خواهران اشاره دارد و آثار برادران خصوصاً در گروه «علوم انسانی مرتبط با حوزه دین» از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است.

از سوی دیگر، دبیر وقت جشنواره در مراسم اختتامیه نهمین جشنواره درباره میزان سن پژوهش‌گران می‌گوید: آقایان ۲۱ ساله و خانم‌های ۳۴ ساله بیشترین استقبال از جشنواره را داشته‌اند (همان، ص ۹۷). با توجه به سن زیر ۳۱ سال در آیین‌نامه جشنواره، ایشان تأکید می‌کند که برای افزایش مشارکت، سن شرکت‌کننده در جشنواره را در آن سال به چهل سال افزایش داده‌اند (همان).

به نظر می‌رسد، به رغم

حضور پررنگ خواهران حوزوی در این جشنواره، هنوز سطح کیفی آثار پژوهشی آنان با وضعیت مطلوب فاصله دارد. البته دلیل بالابودن حضور پژوهشی طلاب خواهر به یک الزام پژوهشی به نام «تحقیق پایانی» برای طلاب خواهر در پایان دوره سطح دو مربوط است. به طوری که ۳۴ درصد

با مراجعه به وضعیت سنجی و ارزیابی موقعیت علمی خواهران حوزوی، تأخیر و فاصله غیرقابل انکاری با حوزه‌های علمی برادران مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد این موضوع بیش از آن که از نوپا بودن حوزه‌های علمی خواهران برآمده باشد، تحت تأثیر جهان فرهنگی‌ای است که بر جامعه زنان به ویژه زنان حوزوی سایه افکنده است.

آثار رسیده به همایش در این بیست دوره، حدود ۹۷ درصد به آقایان و تقریباً ۳ درصد به بانوان اختصاص دارد. هم‌چنین از مجموع ۸۸۰ رساله سطح چهار ارسال شده به همایش در این بیست دوره، سهم آقایان ۸۴۶ رساله به میزان ۹۶ درصد و سهم بانوان تنها ۳۴ رساله به میزان ۴ درصد بوده است. (ویژه‌نامه بیستمین همایش کتاب سال حوزه، ۱۳۹۷، ص ۶ و ۵)

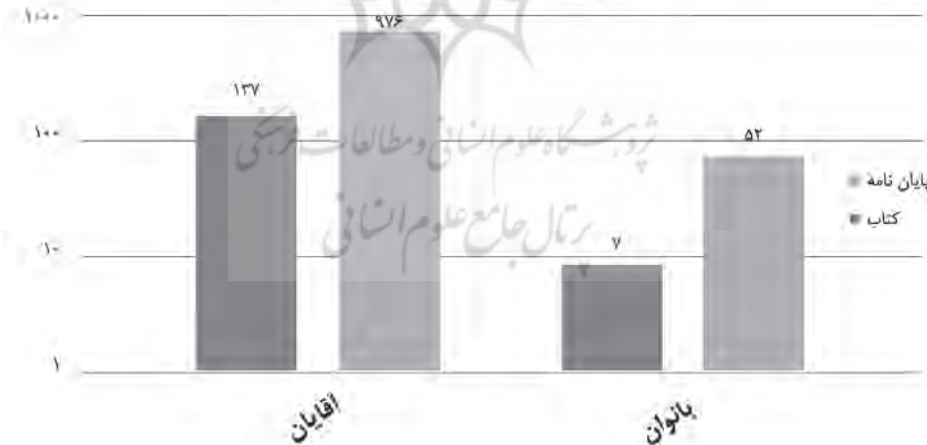
۲. در دوره بیستم همایش کتاب سال حوزه، شاهد حضور ۱۰۲۸ اثر رسیده در قالب کتاب

هستیم که از میان آن‌ها تنها ۵ درصد یعنی ۵۲ کتاب به بانوان حوزوی تعلق دارد. هم‌چنین از میان ۱۴۴ رساله سطح چهار رسیده به همایش، حدود ۵ درصد، یعنی هفت رساله مربوط به بانوان بوده است.

شامل می‌شود. رقابت علمی در این همایش سخت‌تر بوده و نشان‌دهنده موقعیت واقعی پژوهش در حوزه‌های علمیه می‌باشد. در این نوشتار برای ارزیابی موقعیت علمی و پژوهشی بانوان حوزوی در این همایش، به گزارش‌های مربوط به وضعیت سنجی آنان پرداخته خواهد شد، که عبارتند از:

۱. در گزارش‌های مربوط به بیست دوره همایش کتاب سال حوزه، مجموع کتاب‌های ارسالی از سوی آقایان ۱۴۹۵۸ اثر و بانوان ۴۱۲ اثر اعلام شده است. بنابراین از مجموع کل

نمودار تعداد آثار رسیده براساس جنسیت نویسندگان



خواهران جست‌وجو شد، مربوط به تفاوت در سطح هم‌ترازی دانش است، به‌گونه‌ای که گویا در این حوزه‌ها با توجه به انتظارات

(همان، ص ۱۱۹) نکته دیگری که از گفت‌وگو با برخی مسئولان و اساتید مربوط با حوزه‌های علمیه

برای تحقق تمدن نوین اسلامی است، هم چنان تأکید بر مسائل زن و خانواده می‌باشد. (گزارش عملکرد بیست ساله مرکز مدیریت خواهران، ۱۳۹۶، ص ۱۲)

در این سند، هنگامی که به ویژگی‌های چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ اشاره می‌شود با عبارات دیگری، هر آنچه در مأموریت‌ها گفته شد مجدداً مورد تأکید قرار می‌گیرد. این تأکیدها تا جایی پیش می‌رود که در بند ۴، انتظارات از حوزه‌های علمیه خواهران را چنین بازگو می‌کند: حوزه‌های علمیه خواهران «هدایت‌گر جامعه با اولویت زنان و خانواده‌ها به سمت الگوی دینی و جریان دادن دین در زندگی فردی و اجتماعی» می‌باشند. از سوی دیگر، هنگام مراجعه به اهداف کلان قید شده در این سند، هم‌بستگی و پیوستگی آن آشکار می‌شود. در قسمت اهداف کلان نیز، به رغم آن که «فهم جامع دین با تکیه بر فقه حکومتی و رویکرد فقه جواهری» انتظار می‌رود، اما تأکید بر «عرصه زن و خانواده» نیز افزوده می‌شود. (همان، ص ۱۳)

با مراجعه به بخش مبانی، اصول، اهداف و سیاست‌های حاکم بر نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های علمیه خواهران، ابتدا به «مبانی عام» پرداخته شده است و در بند ۱۵ و ۱۶ آن به تفاوت استعدادها و قابلیت‌های انسان‌ها اشاره می‌کند: «زن و مرد در جایگاه

دیگری مانند تربیت فرزندان، توجه به امور خانواده و همسررداری که از بانوان حوزوی وجود دارد، انتظارات علمی و آموزشی با تساهل و تسامح بیشتری همراه است.

نگاهی به جهان‌زیست حوزه‌های علمیه خواهران

از این که چه عواملی در تأخیر فرهنگی و علمی حوزه‌های علمیه خواهران نسبت به حوزه‌های برادران دخالت دارند، نیازمند مطالعه بیشتر و بررسی‌های فراخ‌تری است. این نوشتار به اجمال و بیشتر از منظر درونی و محیط اجتماعی و نهادی‌ای که طلاب خواهر را در برمی‌گیرد به این مسئله پرداخته و بیش از آن که مدعی باشد مشکل اصلی تأخیر و فاصله میان حوزویان خواهر و برادر را جسته، طرح مسئله نموده است. از این رو، برای فهم مسئله و راه حل آن، همه حوزویان را به کنکاش ترغیب می‌نماید. حال برای آشنایی با محیط اجتماعی و نهادی این حوزه‌ها و جهان زیست آن، نگاهی به

اسناد مربوط می‌اندازیم:

اهتمام بیشتر بانوان حوزوی به حوزه «اخلاق و تربیت» می‌باشد، که این امر نشان دهنده بالابودن تمایلات تبلیغی در میان آنان است، اما این که این تمایلات ناشی از نظام آموزشی و یا محیط اجتماعی است، نیازمند مطالعه و بررسی بیشتری است.

در سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه خواهران به هشت مأموریت اشاره شده است، که شش مورد آن، بر عرصه زن و خانواده تأکید دارد. حتی در مواردی که سخن از تعمیق و صاحب‌نظری در آموزه‌های اسلام ناب و یا زمینه‌سازی

و معارف اسلام ناب در سطوح و ساحت‌های مختلف؛

(ب) تعلیم و تربیت در حوزه‌های علمیه و سایر جوامع علمی- فرهنگی؛

(ج) تحقیق و پژوهش، نظریه‌پردازی و اجتهاد در عرصه علوم اسلامی- انسانی؛

(د) راهنمایی و مشاوره در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی؛

(هـ) مدیریت و راهبری امور و مراکز علمی، فرهنگی، تبلیغی و آموزشی.

هدف نخست به‌خوبی انتظارات اساسی از تربیت طلاب خواهر را نشان می‌دهد.

به‌نظر می‌رسد در نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های خواهران، دانش به‌مثابه آگاهی

از معارف دینی و ترویج آن بیشتر مورد توجه است تا دانش به‌مثابه علم. همان‌گونه که

در هدف دوم که به رسالت و مأموریت‌های حوزه علمیه خواهران اشاره دارد از پنج مورد،

تنها یک مورد آن به امر «تحقیق و پژوهش، نظریه‌پردازی و

اجتهاد در عرصه علوم اسلامی- انسانی» اهتمام داشته و سایر

موارد جنبه تبلیغی و ترویجی دارد.

همه آنچه که به سند چشم‌انداز، نظام تعلیم و تربیت

حوزه‌های علمیه خواهران و ... اشاره شد، نشان‌دهنده وجود

نوعی گرایش فکری و فرهنگی به جایگاه زنان به‌ویژه موقعیت

انسانی و ارزشی برابر و بر اساس تفاوت‌های جسمی، روانی و کارکردهای خاص زنانه و

مردانه با هم متفاوتند». (همان، ص ۱۶ و ۱۷)

این تفاوت در «مبانی خاص» بیشتر توضیح داده شده است. در آن‌جا، خانواده هسته اصلی

تشکیل جامعه و مهم‌ترین رکن تربیت انسان و جامعه است. بنابراین «همسری و مادری

مهم‌ترین نقش زنان بوده و در استحکام و اعتلای بنیان خانواده، تأثیر انسانی دارند».

اگرچه هم‌چنان به نقش و مسئولیت علمی و اجتماعی زنان دانش‌آموخته حوزوی اهمیت

می‌دهد، اما آن را متناسب با ویژگی‌ها و اقتضات آنان اعلام می‌دارد: «رشد علمی

و تعالی شخصیت زنان در ایفای مطلوب نقش همسری، مادری و نقش‌های اجتماعی تأثیرگذار است.» (همان، ص ۱۸)

در قسمت اهداف نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های علمیه خواهران نیز به دو هدف

اشاره شده است: (همان، ص ۱۹)

۱. تربیت بانوان عالم، مؤمن، مذهب، متعهد، بصیر، انقلابی، متخلق، آگاه و وظیفه‌شناس در ایفای وظیفه مادری و همسری و پاسداری از تحکیم و تعالی خانواده؛

۲. تربیت بانوان متخصص و کارآمد در راستای تحقق رسالت و مأموریت‌های حوزه‌های علمیه در عرصه‌های:

(الف) تبلیغ و ترویج فرهنگ

در سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه خواهران به هشت مأموریت اشاره شده است، که شش مورد آن، بر عرصه زن و خانواده تأکید دارد. حتی در مواردی که سخن از تعمیق و صاحب‌نظری در آموزه‌های اسلام ناب و یا زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است، هم‌چنان تأکید بر مسائل زن و خانواده می‌باشد.

بانوان حوزوی است. این نگاه تحت تأثیر بوم مردانه نسبت به زیست زنانه می‌باشد. حتی اگر بپذیریم که دیدگاه سوم که مشی و منشی مصلحانه به موقعیت زنان دارد، اما شرایط اجتماعی که تفسیرهای مردانه در آن قدرت مند است او را ناگزیر به برخی ملاحظات دیدگاه دوم می‌سازد. این ملاحظات سبب شده است از ابتدای تأسیس

حوزه‌های علمیه خواهران تاکنون هم‌چنان تحت مدیریت مردانه قرار گیرد. چنانکه از ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۵ شمسی، همه معاونت‌های این مرکز در دوره‌های مختلف آن به‌عهده آقایان بوده است و تنها در یک دوره دوساله (از ۱۳۷۶/۲/۱ تا ۱۳۷۷/۱۲/۷ شمسی) معاونت فرهنگی این مرکز بر عهده یک خانم بوده است. هرچند تغییرات مدیریتی اخیر در مرکز موجب بهبود موقعیت مدیریتی بانوان شده است.

از سوی دیگر، از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ شمسی، حدود ۱۲۵ عنوان کتاب که بیشتر جزء منابع و متون آموزشی می‌باشند، در مرکز مدیریت خواهران تدوین و منتشر شده است. از میان این منابع تنها یک کتاب توسط یک بانوی حوزوی و یک کتاب دیگر نیز به صورت مشترک توسط یک آقا و یک خانم به‌رشته‌تحریر درآمده است و حدود ۱۲۳ اثر دیگر توسط آقایان و برخی نیز به صورت

گروهی تدوین شده است. تا جایی که حتی کتاب‌های احکام خانواده و احکام دختران نیز توسط آقایان نگاشته شده است.

بنابراین، هنوز این ابهام وجود دارد که انتظارات از بانوان حوزوی کدام است و توسط چه کسانی ایجاد می‌شود؟ شاید در مانیفست حوزه‌های علمی، مهم‌ترین آیه‌ای که رسالت

آنان را تعیین کرده است و بسیار به آن تمسک می‌جویند و نقش‌ها و کارویژه‌های سه‌گانه‌ای را برای حوزویان ترسیم می‌کند، آیه «نفر» و یا «انذار» می‌باشد، که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا كُلُّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۲ (توبه، آیه ۱۲۲).

این نقش‌ها عبارتند از:

۱. درک و فهم عمیق از دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی «لِيَتَفَقَّهُوا»؛
۲. بازگشت به میان مردم، انذار و هشدار آن‌ها و ابلاغ پیام دین «لِيُنذِرُوا»؛
۳. تلاش برای تحقق آرمان دینی، به بیانی دیگر تبلیغ هدف‌مند و امید به اثرگذاری آن «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۳.

بی‌گمان تفقه و توانایی استخراج و استنباط احکام شرعی از متون دینی (اجتهاد)، نیازمند امکان ارتقای دانش دینی و از همه مهم‌تر

هنوز این ابهام وجود دارد که انتظارات از بانوان حوزوی کدام است و توسط چه کسانی ایجاد می‌شود؟ شاید در مانیفست حوزه‌های علمی، مهم‌ترین آیه‌ای که رسالت آنان را تعیین کرده است و بسیار به آن تمسک می‌جویند و نقش‌ها و کارویژه‌های سه‌گانه‌ای را برای حوزویان ترسیم می‌کند، آیه «نفر» و یا «انذار» می‌باشد.

(به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند.

۳. محمدعلی، تسخیری، حول الشیعه والمرجیة فی الوقت الحاضر، ص ۱۹۲، المجمع العالمی لاهل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۲۲ق.

دانش فقه می‌باشد این امر، مستلزم رفع ابهام از رسالتی است که برای بانوان حوزوی باید در نظر گرفت.

پی‌نوشت:

- * پژوهش‌گر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱. برای مشاهده نمونه‌هایی از این برداشت ر.ک: نشریه پیام حوزه، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۲، ص ۱۰۴.
- ۲. توبه، آیه ۱۲۲: شایسته نیست مؤمنان همگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی